



۲۰۲۱/۰۹/۱۴



دوکتور میر عبدالرحیم عزیز

## اردوی امریکا یک ماشین کشتار!

و چگونه طالبان از متحد به دشمن مبدل شدند

نویسنده: By John Pilger ترجمه: دوکتور میر عبدالرحیم عزیز

تجاوز امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ را باید آنچه که بود نامید- یک جنگ امپریالیستی که تحت لفاظی مبارزه با تروریسم به راه انداخته شد.

تجاوز به افغانستان به این دلیل که حملات ۱۱ سپتمبر از افغانستان آغاز گردیده بود، محلی که اسامه بن لادن از مهمان نوازی دولت طالبان تحت کود افتخار پشتون برخوردار بود، با موفقیت به عموم مردم غرب فروخته شد. طالبان پیشنهاد کردند که در صورت ارائه مدرکی مبنی بر مسئولیت این حمله، مغز متفکر تروریستی را برای محاکمه در کشور ثالثی که بر اساس قوانین شرعی فعالیت می کند، تحویل دهد.

اداره تندرو بوش این طرح آبرومندانه را رد کرد و با تمام قدرت حمله نمود. بعداً از پذیرفتن توافقی که حامد کرزی، حاکم دست نشاندۀ واشنگتن در افغانستان، با رهبران طالبان انجام داد، نیز خود داری کرد. اسلام گرایان پیشنهاد خانه نشستن و فاصله گرفتن از سیاست را در بدل عفو عمومی ارائه دادند. این تقاضای آنها هم رد گردید. آنها به سوی تبعید یا پنهان شدن رفتند، اما چند سال بعد ظهور کردند که منجر به شورشی با قوت علیه حکومت در کابل و حامیان غربی آن شد.

از قرار معلوم اداره کلینتن در اواسط دهه ۱۹۹۰ حکومت طالبان را در آغوش گرفت و از آنها در یک طرح بلند پروازانه برای احداث خط لوله گاز از ترکمنستان به پاکستان و هند درخواست همکاری کرد. گاز ترکمنستان میتواند به مصرف کنندگان در اروپا فروخته شود و با سوخت ایران و روسیه رقابت کند.

پیلگر تأکید کرد: "[افغانستان تحت] طالبان یک دولت مشتری ایالات متحده بود." "رهبری طالبان، از جمله برخی از افرادی که اکنون آنها را می بینیم، به ایالات متحده دعوت شده بودند."

همانطوریکه خود تجاوز به عنوان سرکوب تروریسم توجیه گردید، حضور مداوم نظامی به منظور حفظ دستاورد های مترقی دولت مورد حمایت ایالات متحده به مخاطبان غربی فروخته شد. این واقعیت است که در بعضی نقاط،

مانند کابل، زندگی امن تر و بسیار آزاد تر از حکومت طالبان شد. اما مناطق داخلی افغانستان، جایی که بیشتر مردم این کشور در آن زندگی می کردند، همچنان مانند یک قطعه قرون وسطایی تحت فرمانروایی جنگسالاران بودند که عادات ظالمانه خود را حفظ کرده بودند .

"آنها با زنان و پسران جوان تجارت می کردند و مشغول دادوستد هروئین بودند. البته CIA که پشتیبانان اصلی آنها بود و MI ۶ هم که از نزدیک آنها را دنبال می کرد، همه اینها را می دانستند " .

پیلگر افزود که چند دهه قبل، ایالات متحده هیچ تردیدی در آسیب رساندن به غیرنظامیان افغان در زمان حمایت از نیروهای اسلام گرا علیه دولت دموکراتیک خلق افغانستان که توسط اتحاد جماهیر شوروی حمایت می شد، نداشت. برخی از سیاست های آن برای افغانستان فوق العاده مترقی بود، مانند حقوق مساوی برای زنان و برنامه های سوادآموزی. پیلگر در نامه ۱۹۷۹ سفارت امریکا در کابل می گوید که علیرغم هرگونه شکست برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی آینده در افغانستان، منافع وسیع امریکا "با از بین رفتن دولت دموکراتیک خلق افغانستان تامین خواهد شد".

اردوی ایالات متحده و معماران سیاست خارجی باید از جنگ نسل کشی علیه ویتنام می آموختند که کشتار میلیون ها زن و کودک راهی برای جلب رضایت قلب و ذهن مردم نبود. آنها باید همین درس را از قضایای عامه غیرنظامیان خود در افغانستان آموخته باشند. آیا ممکن است آنها آموخته باشند، اما اهمیتی نمی دهند، زیرا ایالات متحده نه برای رسیدن به اهداف خاص نظامی، بلکه برای غنی شدن سود جویان صنایع صنعتی - نظامی و دولت پنهان جنگ می کند؟



برای مطالب دیگر دوکتور میر عبدالرحیم عزیز روی عکس کلیک کنید